

مهدی آذر فرزند میرزا علی آقا مجتهد تبریزی، در سال ۱۲۸۰ ه.ش در مشهد به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۰۲ وارد مدرسه طب دارالفنون شد و در سال ۱۳۰۷ موفق به دریافت گواهینامه دکترای پزشکی گردید. در همان سال آزمون اعزام دانشجویان به خارج را با موفقیت گذراند و تحصیلات خود را در لیون فرانسه آغاز کرد و در پاریس به پایان رساند و از پایان نامه خود با موضوع "جهاز هاضمه و بیماری‌های آن" دفاع کرد. ایشان در دوره‌های آموزشی درمان پوست نیز تحت نظر بهترین استادان آن زمان شرکت کرد.

مهدی آذر در اسفند سال ۱۳۱۳ یعنی همان سالی که دانشگاه تهران تأسیس می‌شد، پس از فراغت از تحصیل از دانشگاه پاریس به ایران بازگشت و از مرداد ۱۳۱۴ تا شهریور ۱۳۱۶ در بهداری آذربایجان غربی و بیمارستان دولتی ارومیه به طبابت پرداخت. دکتر آذر در شهریور ۱۳۱۶ راهی تهران شد و به ریاست بهداری وزارت پیشه و هنر منصوب گردید. ایشان در اسفند ماه ۱۳۱۸ ریاست بیمارستان رازی را به عهده گرفت و پس از چند دوره ریاست در بیمارستان‌های مختلف، در سال ۱۳۲۸ به مقام استادی کرسی پزشکی بالینی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران نائل آمد.

پدر دکتر مهدی آذر از مردان سیاسی روزگار خود بود و در دوره اول قانونگذاری نماینده مردم خراسان در مجلس شورای ملی شد. مناعت طبع پدر دکتر آذر به حدی بود که



## مهدی آذر

(۱۲۸۰ - ۱۳۷۳)

طیب اهل فرهنگ

اقدام اهدایی: کتاب و نسخ خطی  
محل نگهداری اقدام اهدایی: کتابخانه  
مرکزی دانشگاه تهران



در تمام مدت نمایندگی حقوق نگرفت، زیرا حقوق گرفتن نمایندگان مردم در مجلس را مخالف اخلاق و شریعت می‌دانست. مهدی آذر نیز در کنار پزشکی به فعالیت سیاسی می‌پرداخت و از طرفداران جبهه ملی و دکتر مصدق بود. در بازگشت دوباره دکتر مصدق در سی تیر ۱۳۳۱ به ریاست دولت، طبق توصیه دکتر سنجابی وزیر سابق فرهنگ، دکتر آذر برای وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) انتخاب گردید و تا پایان دوره نخست‌وزیری مصدق در این مقام برقرار بود. در زمان وزارت، به دستور دکتر آذر مجله ماهانه آموزش و پرورش بعد از مدتی تعطیلی دوباره منتشر شد و همچنین روز ۳۱ شهریور ماه هر سال به عنوان روز معلم تعیین گردید. مهدی آذر در پی سقوط دکتر مصدق دستگیر و زندانی شد و پس از آزادی اجازه تدریس در دانشگاه را نیافت. وی در این زمان به طبابت در مطب خصوصی خود پرداخت و در بیمارستان رازی نیز به کار مشغول شد.

یکی از مواجهات دکتر آذر با سران حکومت وقت، یک رویارویی بود که بین او و رزم‌آرا نخست‌وزیر پیش آمد. در سال ۱۳۲۹ رزم‌آرا برای بازدید به بیمارستان رازی رفت و با دیدن شرایط آنجا رفتار ناخوشایندی نسبت به دکتر آذر از خود نشان داد. دکتر آذر در مقام جوابگویی برمی‌آید و رزم‌آرا دست به توهین سنگینی زد. در پی اعتراض به این حرکت رزم‌آرا پزشکان بیمارستان رازی و استادان و دانشجویان دست از کار کشیدند. سرانجام با دخالت دکتر جهان‌شاه صالح، وزیر بهداری وقت، ماجرا فیصله یافت و رزم‌آرا از دکتر آذر در حضور استادان عذرخواهی کرد.

از جمله علاقه‌مندی‌های دکتر آذر مطالعه ادبیات فارسی بود و همواره به دانشجویان خویش توصیه می‌کرد که از مطالعه آثار ادبی غافل نشوند. خود نیز به‌منظور استفاده از کتاب‌های طبی که به زبان عربی تحریر شده بودند، مانند قانون ابن‌سینا، به یادگیری زبان عربی می‌پرداخت. ایشان ضمن سخنرانی‌های خود در زمینه بیماری‌های داخلی، از نکات ادبی و ضرب‌المثل‌های عربی برای شیرینی گفتار بهره می‌برد. در پی مبتلا شدن مرحوم حبیب یغمایی به بیماری آب مروارید چشم، این شعر را برای او سرود:

دیگر آن آسمان نمی‌بینی	ای که از فرط دیدن مه و سال
چه غم ار کهکشان نمی‌بینی	تو که داری به دل دو صد خورشید
زین ندیدن زیان نمی‌بینی	غم مخور زآنکه چون نکو نگری
مردمی در میان نمی‌بینی <sup>۱</sup>	جز گروهی فریبکار و دغل

۱. مجله حافظ، ۱۳۸۴ شماره ۲۱.





دکتر آذر علاوه بر معاشرت مستمر با ادیبان آن روزگار، کسانی همچون علی اکبر دهخدا، سالی چند بار در تهران و شمیران محفلی با حضور محمد محیط طباطبایی، احمد آرام، دکتر محمود افشار، مجتبی مینوی، محمدتقی دانش‌پژوه، حبیب یغمایی برگزار می‌کرد که کسانی چون دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، دکتر محمد اسلامی ندوشن هم در آن شرکت می‌کردند.

دکتر آذر تا چند سال پس از انقلاب اسلامی در ایران بود و سپس به آمریکا رفت و سال‌های آخر عمر خود را با پسر بزرگش که در آنجا به پزشکی اشتغال داشت، می‌گذراند. در این ایام به نگارش بعضی از خاطرات خود پرداخت که حاصل نوشته‌هایی است مانند مقاله‌ای دربارهٔ مرحوم ادیب نیشابوری چاپ شده در مجلهٔ آینده و تاریخ شفاهی ایران. او همواره مورد احترام فرهنگ‌دوستان و بزرگان بود و هر کس وی را می‌شناخت در برابر شخصیت برجسته و فضایل اخلاقی و انسانی او سرتعظیم فرود می‌آورد. از آثار او می‌توان از کتابهایی با عنوان بیماری‌های سریشم‌زدایی، طب بالینی، بیماری‌های عفونی و مقاله‌ای در بارهٔ مالاریا نام برد.

کتابخانهٔ دکتر آذر که مجموعه‌ای از کتاب‌های پزشکی و اجتماعی، شعر و ادبیات و نقد ادبی و بیست و یک جلد نسخهٔ خطی است، به همت فرزندش پیروز آذر به کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران اهدا شد. از جمله نسخ خطی اهدایی می‌توان به مجالس المؤمنین، تألیف قاضی نورالله شوشتری سدهٔ ۱۳ قمری، دیوان منسوب به حضرت علی همراه با ترجمهٔ آن، تحریر شده به سال ۱۲۲۳ قمری و خلاصهٔ الحساب تألیف شیخ بهایی اشاره کرد.

دکتر مهدی آذر در سال ۱۳۷۳ در نودوسه سالگی در کشور آمریکا از دنیا رفت. پیکر این استاد وارسته به ایران آورده و به خاک سپرده شد.

